

نقش مادر در تربیت دینی کودک از دیدگاه شهید مطهری

زینب اینانلو^۱*

چکیده

تربیت فرزند به عنوان مهم ترین نقش والدین در آیات و روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. در بیشتر نظریه های رشد شخصیت، مادر به عنوان فرد تأثیرگذار بر تربیت و رشد شخصیت کودک معرفی شده است. در این میان علما و دانشمندان دینی برای تربیت کودکان برنامه کاملی را از قرآن و دیگر کتب دینی برای والدین استخراج کرده اند و در همین راستا نظریه های ارزشمندی مبتنی بر دین که به صورت نوشته شده و ضبط شده است در دسترس مخاطبان به ویژه مادران قرار داده اند. مقاله حاضر با عنوان نقش مادر در تربیت دینی کودک از دیدگاه شهید مطهری که با هدف، بررسی نقش عاطفی و احساسی، اجتماعی، معنوی، عملکردی مادر در تربیت دینی فرزندان از منظر شهید مطهری جمع آوری شده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. براساس نتایج به دست آمده مادر به چند صورت در تربیت فرزند نقش دارد: از جمله می توان به کانون محبت الهی در مهر مادری، مقام مادری، رعایت حالت روح، اعتدال در اظهار محبت، استفاده درست از ارباب و... اشاره کرد. فرزند از طریق مشاهده رفتار الگویی مادر از او تقلید می کند و رفتار خود را در امور دینی با وی منطبق می سازد. بدین صورت مادر در تربیت دینی فرزندان نقش بسزایی ایفا می کند.

کلید واژگان: تربیت، تربیت دینی، کودک، مادر.

^۱ * طلبه سطح دو، پایه ۳، حوزه علمیه خاوران زینبیه علیه السلام، آبیک.

مقدمه

تعلیم و تربیت در زندگی بشر مهمترین و اساسی‌ترین جنبه زندگی است به گونه‌ای که هر گونه، انحراف در آن باعث انحراف در همه امور زندگی می‌شود. توانایی‌های انسان در زندگی بروز و ظهور پیدا می‌کند و انسانیت انسان تحقق می‌یابد.

در اسلام به این موضوع مهم توجه بسیار شده و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین گردیده است. بدیهی است «یک مکتب که دارای هدف‌های مشخص است و مقررات همه جانبه‌ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی و سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی دارد، نمی‌تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد.

فلسفه خلقت بشر را نیز در همین نکته می‌توان یافت که خداوند انسان را برای این آفرید که او به وسیله تربیت صحیح، کمال یابد و به سر منزل مقصود برسد. با علم به این هدف غایی، تربیت اسلامی اهمیت و جایگاه خاصی پیدا می‌کند. تربیت اسلامی به ایجاد وضعیت مناسبی اطلاق می‌شود که زمینه را برای بروز و ظهور استعدادهای فطری آدمی فراهم می‌کند و او را بالنده‌تر و کمال یافته‌تر می‌سازد. هر زمان فرصت و امکان برای فعلیت یافتن استعدادها فراهم می‌شود، آن زمان قداست و ارزش پیدا می‌کند.

تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری بر چند رکن اساسی مبتنی است. نخستین رکن تعلیم و تربیت اسلامی اهتمام به پرورش فکر و اندیشه آدمیان است. اسلام بر اصل مسئله علم آموزی و تعقل تأکید فراوانی کرده و علاوه بر آن درباره خصوصیات علمی که انسان‌ها باید در پی آموختن آن باشند نیز به تفصیل سخن گفته است. تعلیم: آن گونه که متفکران مسلمان سخن گفته‌اند با «تعقل» متفاوت است. تعلیم جریان یکسویه‌ای از اطلاعات است از جانب معلم به سوی متعلم و در آن «ذهن متعلم چونان انباری است که یک سری اطلاعات در آن ریخته شود.» و او هیچ دخالتی در چند و چون و تقدم و تأخر آنها ندارد.

اما تعقل مبتنی است بر: پرورش و استقلال یافتن نیروی فکری متعلم و زنده شدن قوه ابتکار در او آن چنان که خود مستقلاً بتواند اطلاعات خامی را که از منابع گوناگون دریافت می‌کند. قوت گرفتن نیروی تعقل در

وجود آدمی در نهایت او را تبدیل به یک مجتهد خواهد کرد و «اجتهاد واقعی نیز همین است که وقتی یک مسئله جدید که انسان هیچ سابقه‌ای درباره آن ندارد، به او عرضه شد فوراً بتواند اصول را به نحو صحیح بر آن تطبیق کرده و نتیجه گیری نماید.

مسئله ای که در اینجا به آن پرداخته می شود، دیدگاه شهید مطهری در مورد نقش مادر در تربیت دینی فرزند است. از آنجا که متفکر بزرگ، شهید مطهری، در بیشتر زمینه های علمی صاحب نظر بوده اند، لذا پرداختن به نظرات سازنده ایشان که از تفکرات پر مغز و عمیقی سرچشمه می گیرد، و پرداختن به مسئله نقش مادر در تربیت کودک از دیدگاه ایشان امری بسیار مهم و ضروری می باشد. هدف از پرداختن به این موضوع، تاکید بر امر مهم مادری و تربیت فرزند می باشد. و سوال اصلی ما در این مقاله این است که شهید مطهری چه دیدگاهی در زمینه ی نقش مادر در تربیت فرزند داشته است؟ بی تردید، اگر مادران به نقش مهم خود در تربیت دینی فرزندان آگاه باشند و از شیوه‌های سازنده در این زمینه بهره گیرند، می‌توانند افرادی شایسته و مفید را پرورش دهند. از دیرباز، تربیت یکی از موضوعات مورد علاقهٔ بیشتر اندیشمندان و نظریه‌پردازان بوده است. «تربیت» در لغت به معنای رشد، افزایش یافتن و اصلاح چیزی آمده است.

مربی دینی باید در اجرای فرایند تربیت دینی به فراهم ساختن زمینه دین‌پذیری و عمل کردن به دستورهای دین توسط مربی اهتمام ورزد. وی باید به‌گونه‌ای رفتار کند که مربی، خودبه‌خود و با رغبت به دین گرایش پیدا کند، معارف دین را فراگیرد، به آموزه‌های دینی ایمان بیاورد، به احکام دین عمل کند، به ارزش‌های دینی احترام بگذارد و از هر جهت، در برابر خواسته‌های آفریدگار جهان تسلیم شود. این کار درواقع همان بیدارسازی فطرت اولیهٔ انسان است. در محیط خانه و خانواده نقش مادر به‌عنوان مربی فرزندان در پرورش دینی پررنگ‌تر است. بیشترین تأثیر مادر مربوط به دورهٔ کودکی است. مادر در این دوره اعمال دینی را همراه با فرزند برگزار می‌کند، او را با حالات و توجهات اعتقادی، عبادی و دعاها مأنوس می‌کند و بسیاری از مطالب دیگر را به او می‌آموزد. فراهم کردن زمینه‌های رشد جسمی و روحی و شکوفاسازی استعدادهای درونی و فطری فرزند در

سه جنبه شناخت، ایمان و عمل از وظایف یک مادر و مربی شایسته است؛ به گونه‌ای که مربی خود به سوی کمال الهی و انسانی گام بردارد.

همه ادیان الهی برای مقام مادر ارزش والایی قائل هستند، ولی اسلام بیش از دیگر مکتب‌های دینی به این مسئله توجه کرده و به مادر احترام و عظمت بسیاری بخشیده است. با دقت در برخی آیات قرآن درمی‌یابیم خداوند از مادر به عظمت یاد کرده و مقام وی را ستوده است. بیان زحمات و رنج‌های مادر در قرآن کریم و همچنین دستور خداوند به احسان و نیکی به پدر و مادر، همه گواه جایگاه والای مادر است. خداوند متعال در آیه ۱۴ سوره لقمان، پس از سفارش به احسان والدین، در آیه‌ای دیگر به رنج و زحمتهایی که مادر برای فرزند متحمل می‌شود، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «مادرش او (فرزند) را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و به چهل سالگی برسد».^۱

در روایات متعددی به مقام مادر اشاره شده است. برای نمونه، روایت است که مردی از پیامبر پرسید: پدر و مادر کدام یک اعظم هستند؟ پیامبر فرمود: آن کس که تو را در شکمش حمل نمود و به تو شیر داد و تو را حفظ کرد، پدر و مادرش را فدای تو کرد. یعنی هستی خود را فدای تو نمود.

پژوهش اسکندری نژاد (۱۳۸۹) نشان داد، مادر با ایجاد شخصیتی اسلامی و تغییرات الهی در لایه‌های وجودی خویش در مسیر دامن‌دار علمی و عملی به راستی دیندار می‌شود و با شناخت مسائل تربیتی می‌تواند فرزندش را به وسیله اعطای بینش تعمیق باورها و اصلاح رفتار به تکامل و تعالی برساند که درون‌سازی دینی نامیده می‌شود. در پژوهش آقاجانی کوپایی، احمدی و نارویی (۱۳۹۳) ویژگی‌های شخصیتی مادر براساس دانش ژنتیک به نوزاد منتقل می‌شود و در ویژگی‌ها و خلقیات او تأثیر دارد و موجب می‌شود مادر آمادگی خوبی برای پاسخ‌گویی به نیازهای نوزاد داشته باشد تا بتواند ضمن شناخت نیازهای نوزاد به نیازهای او پاسخ دهد. همچنین شرایط انعقاد نطفه، نوع تغذیه مادر در دوران بارداری و آمادگی و آرامش روانی او تأثیر بسزایی در

^۱ «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (احقاف، ۱۵)

آمادگی‌های ذاتی و سرشتی نوزاد دارد. یافته‌های پژوهش سراقی، منیرپور و احمدی (۱۳۹۴) بیانگر ده مؤلفه برای نقش مادر بود که در سه سازه اصلی پذیرش، محافظت و پرورش ساماندهی شد. زیرمؤلفه پرورش شامل پرورش جسمی، توجه به بازی کودک، محبت، تکریم و توجه به موانع رشد و جهت‌گیری مذهبی بود. مؤلفه‌های محافظت عبارت بود از تأمین نیازهای زیستی، حفاظت از خطر و مراقبت‌های پیشگیرانه. یافته‌های پژوهش نوذری (۱۳۹۴) در زمینه چگونگی شکل‌گیری دینداری نشان داد که وجه تشابه دو دیدگاه اسلامی و روان‌شناختی، تأکید بر ایجاد محیط‌زیست امن، پویا و پاسخ‌گو برای رشد مطلوب دینداری است. هر دو دیدگاه بر ثبت تجربه‌های کودک-والدین در نظام روانی کودک و تأثیر این تجربه‌ها بر دینداری آینده تأکید دارند. براساس نتایج یافته‌های حسینی‌زاده (۱۳۹۵)، از دیدگاه اسلام افزون بر نقش محیطی مادر در تربیت فرزند، نقش وراثتی او نیز به‌ویژه در زمینه‌های عقلی و هوشی از نقش وراثتی پدر بیشتر است.

تربیت و اصول آن

تربیت کودک چگونه باشد؟ تربیت به طور کلی با صنعت فرقی دارد که از همین فرق، انسان می‌تواند جهت تربیت را بشناسد.

صنعت: عبارت است از «ساختن» به معنی این که شیئی یا اشیائی را تحت نوعی از پیراستن ها و آراستن ها قرار می دهند، میان اشیاء و میان قوای اشیاء ارتباط برقرار می کنند، در جهت مطلوب انسان قطع و وصل هایی صورت می دهند و آن گاه این شیئی می شود مصنوعی از مصنوع های انسان. فرض کنید که از طلا یک حلقه انگشتر یا یک زیور دیگری می سازیم. آن را شکل می دهیم یا به قول معروف پرداخت می کنیم، وضع مخصوصی به آن می دهیم و می شود یک مصنوع برای ما، ولی تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیئی موجود است، به فعلیت درآوردن و پرودن. لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر در مورد غیر جاندار این کلمه را به کار ببریم، مجازاً به کار برده ایم، نه این که به مفهوم واقعی، آن شیئی را پرورش داده ایم؛ یعنی یک سنگ و یا یک فلز را نمی شود پرورش داد، آن طور که یک گیاه یا یک حیوان و یا یک انسان را پرورش می دهند.

والدین به ویژه مادر، باید با اصول تعلیم و تربیت اسلامی آشنا باشد. اولاً آیا اسلام برای مسئله تعلیم به عنوان آموزش دادن و آگاهی دادن اهمیتی قائل است یا نه؟ و به عبارت دیگر آیا اسلام عنایتی به پرورش عقل و فکر انسان دارد یا چنین عنایتی ندارد؟ این همان مسئله علم است که از قدیم میان علما مطرح بوده؛ هم اصل مطلب که اسلام دینی است که به علم دعوت کرده است، و هم خصوصیات آن که آن علمی که اسلام به آن دعوت کرده است چه علمی است، که افرادی نظیر غزالی، فیض و دیگران در این زمینه بحث کرده‌اند. و از نظر تربیت و پرورش هم که مقررات اخلاقی اسلام، همه مقررات پرورشی انسان‌هاست که انسانی که اسلام می‌خواهد پرورش بدهد، انسان نمونه اسلام چگونه انسانی است و مدل آن انسان چگونه مدلی است؟ البته مسائل دیگری هم در اینجا هست که مربوط به کیفیت اجرای مطلب است؛ یعنی هدف‌ها مشخص، ولی برای تربیت انسان از چه متد و روشی باید استفاده کرد؟ یعنی تا چه اندازه ملاحظات روانی در تعلیمات اسلامی منظور شده است؟ مثلاً در تعلیم و تربیت کودک چه دستورهای رسیده و در آن دستورها چقدر واقع بینی و ملاحظات روانی رعایت گردید و در گذشته، تعلیم و تربیت‌های قدیمی ما چقدر منطبق با تعلیمات اسلامی بوده و چقدر نبوده، و تعلیم و تربیت‌های امروز ما چقدر منطبق است؟^۱

در طول تربیت کودک شاهد اتفاقاتی هستیم که تضاد میان عقل و عاطفه را نشان می‌دهد از جمله: نظیر همین مثالهای معروف که بچه‌ای احتیاج دارد به یک عمل جراحی، اگر به مادر که خیلی اهل عاطفه است بگویی، بچه را می‌کشد بغل خودش، می‌گوید من حاضر نیستم مثلاً شکم او را باز کنند یا دست او را احیاناً ببرند. عاطفه‌اش به او اجازه نمی‌دهد. ولی عقل چه می‌گوید؟ همان مادر اگر فکر قوی‌تری داشته باشد، چنانچه از گفته پزشک یقین پیدا کرد که بریدن دست این بچه یگانه راه نجات اوست، می‌گوید این کار را بکن. خود بچه چطور؟ او که محال است تسلیم بشود.^۲

^۱ تعلیم و تربیت شهید مطهری، ص ۱۶

^۲ آشنایی با قرآن، ج ۶، ص ۱۵۷

یک امر کوچک را به عنوان مثال عرض می‌کنم: در بین الطلوعین پدر می‌خواهد فرزندش را برای نماز بیدار کند. مادر خطاب به پدر می‌گوید: آیا دلت می‌آید بچه‌ات را از این خواب خوش بیدار کنی؟ دلش برای این فرزند می‌سوزد و می‌خواهد به او مهربانی کند و او را ناراحت نکند و لذا او را برای نماز بیدار نمی‌کند.

این مادر دشمنی است که با چهره دوستی و با قصد دوستی سراغ فرزند خود آمده است. پس معلوم می‌شود خطر دشمنی که با چهره دوستی و با قصد دوستی می‌آید و آنچه را که بر ضرر انسان است می‌خواهد، از خطر کافر و حتی منافق بیشتر است.

روسو کتابی دارد به نام «امیل» که در فن تربیت کودک نوشته است؛ کتاب جالبی است؛ امیل نام کودک فرضی و افسانه‌ای است که وی در کتاب خود او را تحت تربیت خود قرار می‌دهد و به پرورش همه جنبه‌های جسمی و روانی او توجه می‌کند. در همه موارد، ایده روسو این است که امیل را در حال ممارست با طبیعت و پنجه در پنجه طبیعت و در دامن سختیها پرورش دهد.

وی معتقد است که بدبخت‌ترین کودکان، آنهایی هستند که والدین آنها، آنها را در ناز و نعمت پرورش می‌دهند و نمی‌گذارند سردی و گرمی دنیا را بچشند و پستی و بلندی جهان را لمس کنند. این گونه کودکان در مقابل سختیها حساس می‌شوند و در مقابل لذتها بی‌تفاوت؛ همچون ساق نازک یک درخت کوچک در مقابل هر نسیمی می‌لرزد و کوچکترین حادثه سوئی آنان را ناراحت می‌کند تا جایی که یک حادثه کوچک، آنان را به فکر خودکشی می‌اندازد؛ و از آن طرف، هر چه موجبات لذت به آنها داده شود به هیجان نمی‌آیند و نشاط پیدا نمی‌کنند. اینگونه انسانها هرگز طعم نعمتها را درک نمی‌کنند؛ گرسنگی نچشیده اند تا مزه غذا را بفهمند، بهترین غذاها برای ایشان کم ارج‌تر و کم لذت‌تر از نان جوینی است که یک بچه دهاتی می‌خورد.^۱

نتیجه‌گیری

تربیت از موضوعات مورد علاقه اکثر اندیشمندان و نظریه‌پردازان بوده است. یکی از ساحت‌های تربیت، تربیت دینی است. در این پژوهش به نقش مادر در تربیت فرزند، به‌ویژه از دیدگاه دینی پرداخته شده است و اینکه

^۱ عدل الهی، استاد شهید مطهری، ص ۱۶۱

مادران چه اندازه در تربیت دینی فرزندان اثرگذارند و چگونه می‌توانند انسان‌های مؤمن و شایسته‌ای را پرورش و تحویل جامعه دهند. مادر با اصلاح و تقویت شناخت‌ها، عواطف و رفتارهای خود در راستای تربیت دینی، زمینه ایجاد چنین باوری را در فرزندان فراهم می‌آورد. مادر با تقویت تربیت دینی در چهار الگوی عبادی، اخلاقی، آموزشی-پرورشی و یادگیری و الگوگیری فرزند از مادر، می‌تواند فرزند را به مراتب بالای انسانی سوق دهد. در الگوی عبادی این نتیجه به دست آمد که عبادت‌ها و نیایش‌های مادر نقش بسزایی در پرورش روحی و معنوی فرزند دارد. عبادت مادر در خانه، نوعی تمرین عملی و ارائه الگو به فرزند است که ذهن آماده او را به خود جلب می‌کند و اثر آن، سال‌ها در دل و ذهن او باقی می‌ماند. اگر محیط خانواده، محیطی معنوی و مأنوس با دعا، نماز، تلاوت قرآن و مناجات باشد، فرزندان پرورش‌یافته در آن محیط با معنویت و دعا آشنا می‌شوند و به تدریج، آن خلق‌و‌خو را فرا می‌گیرند. عکس این مطلب نیز صادق است؛ فرزندانی که در خانواده‌های دور از دعا، نماز و تلاوت قرآن بزرگ می‌شوند، کمتر با معنویت سروکار دارند. از نمونه‌های الگوی عبادی می‌توان به خواندن نماز اول وقت، همراه بردن کودکان و نونهالان به مسجد و شرکت دادن آنها در نماز جماعت اشاره کرد. در الگوی یادگیری مشاهده‌ای نتایج آن به این صورت بود که یادگیری از راه مشاهده، روشی فطری و غریزی است که در انسان و حیوان وجود دارد و کودک رفتار بزرگسالان، مانند راه رفتن، سخن گفتن و خندیدن، را می‌بیند و از آنها به خوبی تقلید می‌کند. در الگوی اخلاقی، مادر می‌تواند با استفاده از ارتباط عمیق روحی و عاطفی خود با کودک، ارزش‌های اخلاقی را به وی آموزش دهد. اگر مادر راستگو و درستکار باشد و همواره صادقانه رفتار کند و سخن دروغ نگوید، صفت راستگویی را در کودکش، نهادینه و صداقت در گفتار و رفتار را بر رفتارش حاکم می‌سازد. احترام به دیگران از آموزه‌های مهم در فرهنگ اسلامی است. تجربه نشان داده است اگر فرد در کودکی از سوی بزرگسالان تکریم و احترام شود، بزرگوار، شریف و با شخصیت بار می‌آید و برای حفظ شأن و کرامت خود از کارهای زشت و ناپسند دوری می‌کند. در الگوی آموزشی و پرورشی از آنجا که کودکان توان تجزیه و تحلیل عقلی و استدلال منطقی مسائل را ندارند، بهتر است آنها را از راه آموزش و تقلید با خدا آشنا ساخت و به تدریج آموزه‌های دینی را به آنان آموخت و توحید و خداشناسی را نیز

به ایشان تلقین کرد. از جنبه آموزشی مادر می‌تواند با آموزش قرآن، احکام، تأیید کارهای پسندیده، آموزش آداب سلام کردن، تشویق و تقویت رفتارهای دینی سنگ‌بنای تربیت دینی فرزندان را محکم می‌سازد.

بنابراین هدف اصلی از تربیت دینی، تقویت ارتباط با خدا و رشد روحیه تعبد و بندگی در فرزند است که این امر دو جنبه دارد: علاقه‌مندسازی فرزند به انجام فرائض و دعا و مناجات و انس با خدا و نیز بازداري او از اعمال خلاف شرع و ارتکاب محرمات. هر عاملی که به این دو جنبه یاری رساند، در تربیت دینی و خداآوری و برقراری رابطه فرزند با خدا تأثیرگذار است. در این میان نقش مادر در پرورش دینی و مذهبی فرزند روشن است. این نقش، دوران پیش از تولد و نیز پس از آن یعنی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را دربرمی‌گیرد. از دیدگاه شهید مطهری مادر کلیدی ترین نقش را در تربیت فرزند دارد.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱- آتش افروز، محرم، تاکید شهید مطهری بر تربیت در دوران کودکی، پایگاه تخصصی فقه حکومتی وسایل، ۱۳۹۹.

۲- اب خضری، یاسر. اهمیت تربیت کودک از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری (ره) مجله «کودک»، شماره ۶۵، خرداد ۱۳۹۶.

۳- مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، انتشارات صدرا، ۱۳۹۲.

۴- مطهری، مرتضی. داستان راستان، ج ۲، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.

۵- مطهری، مرتضی. آشنایی با قرآن، ج ۲، انتشارات صدرا، ۱۳۹۸.

۶- مطهری، مرتضی. آشنایی با قرآن، ج ۷، انتشارات صدرا، ۱۳۵۰.

۷- مطهری، مرتضی. آشنایی با قرآن ، ج ۸، انتشارات صدرا ، ۱۳۵۲.

۸-مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.

۹- مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.

۱۰- مطهری، مرتضی. یادداشت های استاد مطهری ، ج ۲ ، انتشارات صدرا، ۱۳۹۸ و ۱۳۵۷.

۱۱- مطهری، مرتضی. یادداشت های استاد مطهری ، ج ۴، انتشارات صدرا، ۱۳۹۷.

۱۲- مطهری، مرتضی. یادداشت های استاد مطهری ، ج ۵، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.

۱۳- مطهری، مرتضی. یادداشت های استاد مطهری ، ج ۶ ، انتشارات صدرا، ۱۳۹۵.

۱۴- مطهری، مرتضی. یادداشت های استاد مطهری ، ج ۸، انتشارات صدرا ۱۳۵۲.